



ازدواج اجباری مصلحت نیست

افزایش حداقل سن ازدواج دختران؛ مساله‌ای که از مدت‌ها پیش مطرح شده، اما هر بار جای حل مساله صورت مساله پاک شده است.

افزایش حداقل سن ازدواج دختران؛ مساله‌ای که از مدت‌ها پیش مطرح شده، اما هر بار جای حل مساله صورت مساله پاک شده است. این در حالی است که تبعات کودک‌زنایی؛ همسری به مرز هشدار رسیده و باید برای آن چاره‌اندیشی کرد، چرا که در پی آن آرزوهای کودکان در لباس سفید عروسی مدفون می‌شوند و چاره‌ای وجود ندارد جز اینکه پای قانون حمایتی به میان آید.

به گزارش سلامت نیوز، آرمان نوشت: طیبه سیاوشی، عضو فراکسیون زنان مجلس درباره کودک‌زنایی؛ همسری می‌گوید: مصلحت کودکان و اذن پدر برای ازدواج دختران در قانون دیده شده‌اند، ولی متأسفانه زمانی که مورد ازدواج برای یک دخترچه؛ ها پیش می‌آید، قطعاً به مصلحتشان نیست، چون در اکثر موارد این کودکان از مدرسه بیرون آورده و برخلاف میلشان وادار به ازدواج می‌شوند.

آیا می‌توان با توجه به رشد سنی و عقلی برای ازدواج سن و سال تعیین کرد یا نه؟

براساس ماده 1041 در ایران سنی برای ازدواج تعیین شده است، یعنی دختران می‌توانند شرعاً و قانوناً در سن 13 سالگی ازدواج کنند. این در حالی است که براساس کنوانسیون حقوق کودک ازدواج زیر 18 سال ازدواج بین کودکان است و معمولاً قانونی محسوب نمی‌شود. کشور ما هم ماده اول کنوانسیون حقوق کودک را مشروط کرده و نپذیرفته است؛ اکنون مساله این است که باید به چه چیزی استناد کنیم؟ اینکه در هر سنی هر کسی خواست می‌تواند ازدواج کند یا اینکه نه باید این سن به صورت قانونی دیده شود؟ البته هر فردی که خواست می‌تواند در سن بالای 18 سال ازدواج کند، چون سنی است که هم جامعه بین‌الملل آن را پذیرفته و هم مسائل فیزیولوژیک در آن لحاظ شده است.

در واقع در این سن دوره نوجوانی به اتمام می‌رسد و کودکان به دوره عقلی و جوانی وارد می‌شوند، ولی گاهی این خواستن، خواستن نیست. درواقع به یک نوعی مساله به این سمت هدایت می‌شود که خواست پدر یا والدین مطرح است، نه خواست دختری که به همسری در می‌آید. بحث ما این است که بیشتر این افراد کودک هستند و با فشار والدین وادار به ازدواج می‌شوند. اینجا دیگر خواست آنها مطرح نیست و باید قانون ورود پیدا کرده و مانع ازدواج کودکان شود.

با توجه به نکاتی که اشاره کردید باید گفت که در واقع ازدواج کودکان با مساله ولایت مطلق والدین در هم تنیده است...

مصلحت کودکان و اذن پدر برای ازدواج دختران در قانون دیده شده‌اند، ولی متأسفانه زمانی که مورد ازدواج برای دخترچه‌ها پیش می‌آید، قطعاً به مصلحتشان نیست، چون در اکثر موارد این کودکان از مدرسه بیرون آورده و برخلاف میلشان وادار به ازدواج می‌شوند. در اینجا فقط اذن پدر مدنظر قرار دارد. در واقع پذیرش ولایت والدین مساله‌ای است که هم شرعاً و هم به لحاظ فرهنگی در جامعه ما پذیرفته شده است. ما در امر ازدواج نمی‌خواهیم اذن پدر را حذف کنیم. منتها می‌خواهیم مسائل دیگری را لحاظ کنیم.

بر اساس قانون باید قاضی و دادگاه صالحه به این تشخیص رسیده باشند که کودک بالغ عقلی است و بعد او با اذن پدر ازدواج کند، در حالی که در اکثر موارد بر اساس گزارش‌های میدانی و شهادت افرادی که ما از سال گذشته روی آنها کار می‌کنیم، این تشخیص بسیار ابتدایی و پیش پا افتاده انجام می‌شود. نمی‌توانیم به یک کودک چهار پنج ساله بگوییم که تو به بلوغ عقلی رسیده‌ای. همچنین قاضی برای دختر 11 ساله هم ملاک‌هایی را مطرح می‌کند که صرفاً ظاهرسازی است، بعد اذن پدر لحاظ شده و سپس عقد جاری می‌شود، حتی دختران 13 ساله هم در بسیاری موارد به بلوغ عقلی نرسیده‌اند، ولی قانون اجازه ازدواج آنها را صادر می‌کند. دوباره تاکید می‌کنم ما نمی‌خواهیم اذن پدر را حذف کنیم، ولی بحث این است که باید نظارت بیشتری صورت بگیرد. ما معتقدیم که هم قضات آموزش ببینند و هم به لحاظ قانونی تبصره‌هایی زده شود که مقداری دایره تصمیم‌گیری‌ها شفاف‌تر و سخت‌تر شود.

افزایش حداقل سن ازدواج در چه مرحله‌ای قرار دارد؟

ما تقریباً تمام مستنداتی که لازم داشته‌ایم؛ اعم از بهداشت جسمی و روانی و مباحث فقهی، قانونی، پزشکی و جامعه‌شناختی کودک همسری را جمع‌آوری کرده‌ایم. ما معتقدیم که نباید شتابزده عمل کرد. دوباره در حال بررسی هستیم، چون روی این مساله حساس شده‌ایم و دائماً در حال انتقادند. به‌صورتی که می‌توان گفت موضع‌های عجیب و غریبی اتخاذ می‌شود. ما داریم تمام زوایای این مساله را در نظر می‌گیریم؛ فارغ از مسائل جغرافیایی، فرهنگی، عشیره‌ای و دغدغه‌های دیگری که در این زمینه وجود دارد. در قانونی که در حال نوشتن است، قانونگذار می‌تواند آن را برای تمام جامعه اعمال کند.

آیا از منظر شما راهکار قانونی برای مقابله با این آسیب کافی است؟

نه به هیچ‌وجه. ولی معتقدیم قانون فرهنگ می‌سازد، یعنی دولت‌ها و نظام حاکم چه نظام آموزشی و چه نظام رسانه‌ای باید تلاش کنند که فرهنگسازی رخ دهد. این در حالی است که دائماً از من می‌پرسند که مگر تعداد ازدواج کودکان چقدر است؟ ما داریم در مورد انسان حرف می‌زنیم. در مورد ماشین، دیوار و حیوان حرف نمی‌زنیم. دختری که ازدواج می‌کند، در آینده مادر خواهد شد. متأسفانه شاهد پدیده‌ای هستیم که دختری در سن 15 سالگی با دو فرزند بیوه شده است. بنابراین این معضل وجود دارد. ما از بعد انسانی به این مساله ورود پیدا کرده‌ایم و در تلاش هستیم که افزایش سن ازدواج دختران را به نتیجه برسانیم.

در مورد کودک همسری کودکان بی‌هویت چه تلاشی صورت گرفته است؟

باید بگویم که هیچ اتفاقی نیفتاده است. اگر فردی می‌خواهد کابوسی را برای من تعریف کند؛ این معضل را یادآور شود، چون دائماً به مناطق حاشیه می‌روم و با درخواست‌هایی مواجه می‌شوم که برای من حکم کابوس را دارند. بارها مساله اعطای تابعیت در مجلس مطرح شده و وزارت اطلاعات و وزارت کشور مقاومت کرده و مخالفت خود را اعلام کرده‌اند. من معتقدم باید مرزها را ببندند. کدام کشور دنیا اجازه می‌دهد که به این شکل مهاجران بدون هیچ‌سر و سامانی وارد کشور شوند؟ در بسیاری از کشورهای دنیا ابتدا به مهاجران کارت سه ماهه، بعد شش‌ماهه و سپس کارت یک‌ساله می‌دهند، آن چنان که اگر فرد رفتار درستی داشته باشد، به او کارت طولانی‌تری نیز تعلق می‌گیرد.

این در حالی است که اگر همگرایی با جامعه‌ای که در آن توقف کرده نداشته باشد، عذرش را می‌خواهند. هیچ‌کدام این موارد در کشور ما عملیاتی نمی‌شود. چندی پیش در منطقه فرحزاد بودم. دختری 25 ساله بدون شناسنامه و با دو فرزند بی‌شناسنامه، مادر ایرانی و پدر افغانستانی داشت. تصور کنید در چه شرایط نابسامانی قرار دارد. گرچه من خیلی خوشحالم که وزیر آموزش و پرورش این فرصت را ایجاد کرد تا کودکان بی‌هویت از سیستم آموزشی کشور استفاده کنند، اما وقتی همکاری با این افراد در جامعه رخ ندهد، آنها علیه جامعه می‌شوند. در استان تهران اصلاً جایی وجود ندارد که افراد بی‌هویت ورود پیدا نکرده و مسائلشان در منطقه بارز نباشد. بنابراین ما آتش زیر خاکستر زیاد داریم. یکی از آنها همین مساله است. من قانون، روابط بین‌الملل و وضعیت کشور را می‌فهمم، اما باید انسانی به قضیه نگاه کنیم.

آیت ... مکارم شیرازی فتوا داد که با توجه به موقعیت مکان و زمان غیرعقلانه است که دختر 9 یا 13 ساله ازدواج کند، آیا موفق شدید نظر مراجع دیگر را جلب کنید؟

صحت‌های مثبتی با مراجع در این زمینه داشته‌ایم. مساله این است که ما باید کتبی درخواست دهیم و کتبی پاسخ بگیریم. به این دلیل نمی‌توانم به طور مشخص بگویم که از کدام مراجع پاسخ کتبی گرفته‌ایم. همچنین باید بگویم که ما کارمان را با تحقیقات اسلامی قم پیش می‌بریم. اخیراً پیشنهادات این موسسه را دریافت کرده‌ایم و براساس آنها می‌خواهیم کار را پیش ببریم. این موسسه خود پشتیبان فتاوی و مسائل شرعی و قانونی را پیگیری می‌کند. در واقع ما خیلی دنبال این نیستیم که بخواهیم فتوا بگیریم، چون به‌صورت حضوری مسائل را خدمت مراجع مطرح کردیم و این حضرات نظرات خود را دارند که احتمالاً کتبا نظراتشان را مصوب خواهیم کرد.

